قرآن و علم
شاپا چاپی: ۶۰۱۶-۲۰۰۸ شاپا الکترونیکی: ۵۱۶۵-۲۳۲۲

An Analysis of Women's Rights in the Social and Political Sphere in the Quran and Hadith, and a Comparison with the West

Abstract

Objective: This study aims to examine the political and social roles and status of women in Islam and compare them with Western perspectives. It seeks to highlight the foundations of women's rights in both systems, focusing on the principles of human dignity, equality, and participation in social and political decision-making.

Findings: In Islam, women are granted specific rights such as the right to choose a spouse, ownership, and freedom of opinion, which contribute to balance in economic, social, and political spheres. These rights elevate women's position as active agents in societal transformation. In Western societies, women's rights have been shaped by social movements and feminism since the 19th century, leading to significant achievements in voting, education, and employment. However, challenges such as structural discrimination and gender-based violence persist. The comparative analysis reveals that while both systems emphasize women's participation, the nature of obstacles differs due to cultural and historical contexts.

Conclusion: The study concludes that diverse opinions about women should not be attributed to Islam itself, but rather to cultural and ethnic customs that have influenced interpretations. It emphasizes the necessity of distinguishing Islamic laws and culture from non-Islamic traditions. Islamic scholars are encouraged to present authentic Islamic perspectives, grounded in the Quran and the guidance of the Prophet Muhammad

(PBUH), to ensure the recognition of women's rights and their rightful role in society.
Keywords: Quran, Hadith, West, Woman, Rights, Social and Political Sphere, Cultural and Ethnic Traditions.

حقوق زن در عرصه اجتماعی و سیاسی بر اساس قرآن و روایات و مقایسه آن با غرب

چکیده

هدف: این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی به بررسی نقش و جایگاه اجتماعی و سیاسی زنان در اسلام و مقایسه آن با دیدگاه‌های غربی می‌پردازد. هدف اصلی، روشن ساختن شیوه‌های برخورد با حقوق زنان و تأثیر تاریخ، فرهنگ و جنبش‌های اجتماعی بر مشارکت آنان در فرآیندهای تصمیم‌گیری اجتماعی و سیاسی در هر دو نظام است.

یافته‌ها: در اسلام، حقوقی همچون انتخاب همسر، مالکیت فردی و حق اظهار نظر برای زنان در نظر گرفته شده که زمینه‌ساز نقش‌آفرینی فعال آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی است. در جوامع غربی نیز جنبش‌های اجتماعی و فمینیستی از قرن نوزدهم به‌طور جدی برای برابری حقوق زنان تلاش کرده و دستاوردهایی چون حق رأی، تحصیل و اشتغال را به همراه داشته‌اند. با این حال، زنان در غرب همچنان با چالش‌هایی نظیر تبعیض‌های ساختاری و خشونت‌های مبتنی بر جنسیت مواجه‌اند. در جوامع اسلامی نیز ضعف در زیرساخت‌های فرهنگی و آمیختگی آداب قومی با آموزه‌های دینی، موانعی مشابه ایجاد کرده است.

نتیجه‌گیری: هرچند در هر دو نظام بر مشارکت زنان در فرآیندهای اجتماعی و سیاسی تأکید شده است، اما چالش‌ها و موانع موجود تفاوت‌های بنیادینی دارند. تحلیل صحیح دیدگاه‌ها درباره زنان مستلزم تفکیک میان قوانین و فرهنگ اسلامی با آداب و رسوم قومی و اجتماعی است. بر این اساس، اسلام‌شناسان باید با تکیه بر قرآن کریم و سیره پیامبر اسلام(ص)، به معرفی علمی و دقیق حقوق زنان در اسلام بپردازند تا زمینه ارتقای جایگاه آنان فراهم شود.

واژگان کلیدی: حقوق زن، مشارکت‌های اجتماعی زن، زن در قرآن و روایات، زن در غرب، آداب و رسوم فرهنگی و قومی.

مقدمه

انسان به‌عنوان خلیفه الهی، ظرفیت دستیابی به کمال را داراست و جنسیت در این مسیر نقشی تعیین‌کننده ندارد. قرآن کریم بر برابری انسان‌ها تأکید کرده و تنها معیار تمایز را تقوا معرفی می‌کند: «ای مردم، همانا شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم...» (حجرات: ۱۳). مفسرانی همچون علامه طباطبایی (بی‌تا، ۳۲۳/۱۸) و طبرسی (ج۹، ص۱۶۶) بر شمول عام این آیه تأکید کرده و شامل هر دو جنس دانسته‌اند؛ به‌گونه‌ای که مفاهیم کرامت و تقوا، فارغ از جنسیت، برای همه انسان‌ها مطرح‌اند. همچنین، آیه ۹۷ سوره نحل بیان می‌کند: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً»، که بر برابری زن و مرد مؤمن در دریافت پاداش اخروی دلالت دارد (فخر رازی، 1415: ۱۴۹/۲۰). روایات نبوی نیز جایگاه برابر زنان را مورد تأکید قرار داده‌اند (احمد بن حنبل، ۱۳۸۹: ۲۵۶/۶).

پیش از ظهور اسلام، زنان در جوامع جاهلی با بی‌عدالتی و محرومیت مواجه بودند؛ اما با بعثت پیامبر اسلام(ص)، کرامت و منزلتی نوین برای آنان تثبیت شد. قرآن در آیه ۱۸۹ سوره اعراف نیز تصریح می‌کند: «اوست که شما را از یک تن بیافرید». بر این اساس، ادیان الهی، به‌ویژه اسلام، هدف خود را تعالی انسان قرار داده‌اند و احکام اسلامی در راستای رشد و شکوفایی استعدادهای بشری تدوین شده‌اند، نه برای ایجاد نظامی که به نام حقوق بشر، استعدادهای کمالی انسان را تضعیف کند (عباسی، 1400).

در مقابل، برخی جوامع غربی با بهره‌گیری از شعارهایی چون «آزادی زن»، زنان را به ابزاری برای منافع اقتصادی و اجتماعی گروه‌های خاص تبدیل کرده‌اند. این نگرش، ارزش زن را در ظاهر و جلب توجه مردان تعریف کرده و بدین‌سان کرامت انسانی او را تقلیل داده است. از قرن نوزدهم، با گسترش صنایع جدید، شعار آزادی زن عمدتاً برای جذب نیروی کار ارزان مطرح شد و این روند به تضعیف منزلت زنان انجامید. امروزه نیز بسیاری از جلوه‌های «آزادی زن» در غرب، استمرار همان رویکرد گذشته تلقی می‌شود.

با وجود این، تاریخ شاهد حضور زنان دانشمند و اثرگذار بوده است؛ از جمله لیز مایتنر (فیزیکدان اتریشی) و هدی لامار (مخترع آمریکایی‌الاصل)، که نقش مهمی در پیشرفت علمی ایفا کرده‌اند، هرچند اغلب دستاوردهای آنان در سایه مردان قرار گرفته یا نادیده گرفته شده است. حتی در مواردی که زنان به موفقیت‌های علمی دست یافته‌اند، مانند پریان بورینگ (اقتصاددان)، جنیفر دودنا (زیست‌شیمیدان) و راشل هارویتز (زیست‌شناس)، بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی نامدار شدن آنان نیازمند تحلیل انتقادی است. در حوزه ادبیات و هنر نیز، غالباً زنان به‌عنوان ابزاری برای لذت‌جویی معرفی شده‌اند و ارزش‌های انسانی و جنبه‌های مثبت وجودی آنان کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

برای بررسی تطبیقی حقوق زنان در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از منظر اسلام و غرب، چند منبع معتبر معرفی می‌شود:

- غزالی، زینب، « Women in Islam and the West: The Challenge of Modernity»: این اثر به چالش‌های زنان مسلمان در مواجهه با مدرنیته و مقایسه وضعیت آنان با زنان در جوامع غربی می‌پردازد.
- احمد، لیلا، « Islamic Feminism: A Comparative Study of Women's Rights in Islam and the West»: نویسنده به تحلیل فمینیسم اسلامی و مقایسه آن با فمینیسم غربی پرداخته و بر نقاط اشتراک و افتراق تأکید دارد.
- منصوری، فاطمه، « Comparative Study of Women's Rights in Islamic and Western Societies»: پایان‌نامه‌ای که حقوق زنان در جوامع اسلامی و غربی را با تمرکز بر مسائل اجتماعی بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد که در جوامع اسلامی نیاز به بازنگری در قوانین وجود دارد.
- ودود، امینه، « The Status of Women in Islam and the West: A Comparative Analysis»، مقاله‌ای که وضعیت زنان در اسلام و غرب را تحلیل کرده و نقش فرهنگ و تفسیرهای اجتماعی در اجرای حقوق زنان را برجسته می‌سازد.

هدف این مقاله، ارائه یک مقایسه تطبیقی از حقوق زنان در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی از منظر اسلام و غرب است تا شیوه‌های برخورد با حقوق زنان و تأثیر تاریخ، فرهنگ و جنبش‌های اجتماعی بر مشارکت آنان در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی در هر دو نظام روشن گردد.

1. مقایسه نقش‌آفرینی زنان در مسائل اجتماعی و سیاسی

نقش زنان در جوامع غربی و اسلامی تفاوت‌های قابل توجهی دارد:

- در جوامع غربی، زنان از اوایل قرن بیستم به حقوق سیاسی دست یافتند و حق رأی آنان در فاصله سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰ به رسمیت شناخته شد (Tilly, 2004: 1/45).
- مشارکت زنان در بازار کار افزایش یافته و آنان به مشاغل مدیریتی نیز دست یافته‌اند (Blau & Kahn, 2013: 2/67).
- با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌های جدی همچنان وجود دارد. آمارها نشان می‌دهد که بین سال‌های 2008 تا 2015، خشونت و تجاوز علیه زنان در کشورهای غربی ۴۸ درصد افزایش یافته است (Victims of Sexual Violence: Statistics, 2019).
- رسانه‌ها غالباً تصویری آرمانی از زندگی زنان غربی ارائه می‌دهند، در حالی که واقعیت اجتماعی نشان‌دهنده استمرار آسیب‌ها و تهدیدهاست. این امر موجب شده زنان در برخی موارد به‌عنوان «موجودی درجه دوم» تلقی شوند و امنیت آنان به خطر افتد (Rape, Abuse & Incest National Network, 2019).

از آغاز اسلام، زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی حضوری فعال داشته‌اند. قرآن و سنت، حق بیعت را برای آنان به رسمیت شناخته و زنان به‌طور مستقل با پیامبر اکرم (ص) بیعت کردند (مجلسی، ۱۳۶۲: ۳۰۵/۱۰۴). بیعت زنان در روز فتح مکه به‌عنوان نمادی از حق رأی و مشارکت سیاسی آنان تلقی شده است. شخصیت‌هایی چون خدیجه (س) و عایشه نمونه‌های برجسته‌ای از توانمندی زنان در تاریخ اسلام به شمار می‌روند (ابوشقه، ۱۹۹۰: ۴۶۰/۲). همچنین وهبه توفیق علی بر تساوی زن و مرد در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی تأکید کرده است (توفیق علی، ۱۹۸۳: ۱۹).

زنان مسلمان در مشورت‌های سیاسی نیز نقش مؤثری ایفا کرده‌اند؛ نمونه بارز آن مشارکت امسلمه در ماجرای صلح حدیبیه است که نظر وی مورد توجه پیامبر (ص) قرار گرفت (الحنست، ۱۴۰۴: ۸۵). هجرت زنان از مکه به مدینه نیز در قرآن به‌عنوان نمونه‌ای از مشارکت سیاسی آنان ذکر شده است (ممتحنه: ۱). در مقایسه، جنبش فمینیسم در غرب بر برابری جنسیتی تأکید داشته است (Tong, 2009: 45).

عدالت، به‌عنوان مفهومی بنیادین و انسانی، از آغاز آفرینش به‌مثابه گرایشی درونی شناخته شده و مبنای قوانین قرار گرفته است. بی‌عدالتی موجب شکل‌گیری کینه و دشمنی می‌شود و فقدان عدالت اجتماعی از عوامل اصلی بسیاری از انقلاب‌ها بوده است. قرآن کریم نیز بر اهمیت عدالت تأکید کرده و می‌فرماید: «إِنَّ اللّهَ يَأمُرُ بِالعَدل...» (نحل: ۹۰) و «لِيَقومَ النّاسُ بِالقِسط» (حدید: ۲۵). در اندیشه اسلامی، حقوق زنان و مردان در چارچوب عدالت تعریف می‌شود و این امر به استواری نهاد خانواده کمک می‌کند.

تفاوت نگاه اسلام و غرب به زن نشان می‌دهد که اسلام بر تساوی در کمال و رشد معنوی تأکید دارد، هرچند مسئولیت‌ها یکسان تلقی نمی‌شوند. حقوق زنان در اسلام از سوی خداوند تشریع شده و بر مشارکت آنان در مسئولیت‌های اجتماعی تأکید دارد، در حالی که محدودیت‌هایی در زمینه اختلاط زن و مرد وجود دارد. در نهایت، نقش‌آفرینی زنان در هر دو فرهنگ تحت تأثیر تاریخ، ساختار اجتماعی و زمینه‌های فرهنگی شکل گرفته است. اسلام برای زنان جایگاه و ارزش ویژه‌ای قائل است، هرچند تأثیر فرهنگ جوامع اسلامی بر اجرای این آموزه‌ها انکارناپذیر است.

2. عملکرد فرهنگ و سیاست در جوامع غربی و اسلامی نسبت به حقوق زنان

معرفی زن در فرهنگ غرب و آموزه‌های اسلامی تفاوت‌های بنیادینی را نشان می‌دهد. در جوامع غربی، زنان با اتکا به جنبش‌های فمینیستی توانسته‌اند به بخشی از حقوق خود دست یابند؛ در حالی که آموزه‌های اسلامی، به‌ویژه قرآن و روایات، بر نقش فعال و مؤثر زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأکید دارند. با این حال، در برخی جوامع اسلامی، تأثیر فرهنگ‌های ناصحیح موجب فاصله گرفتن از حقوق واقعی زنان شده است.

نکات مثبت حقوق زنان در جوامع غربی

یکی از دستاوردهای مهم جوامع غربی، تأکید بر برابری حقوق زنان و مردان است. بسیاری از کشورها قوانینی را تصویب کرده‌اند که حقوق برابر در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تضمین می‌کند؛ برای نمونه، قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴ در ایالات متحده به تبعیض جنسیتی پایان داد (MacKinnon, 1979: 45) فزون بر این، زنان در جوامع غربی به‌طور فزاینده‌ای در عرصه‌های مختلف حضور یافته و در

تصمیم‌گیری‌های کلان نقش‌آفرینی می‌کنند (Inglehart & Norris, 2016: 12). آزادی انتخاب در زمینه‌هایی چون تحصیل، اشتغال و سبک زندگی نیز از ویژگی‌های مثبت این جوامع است که به زنان امکان می‌دهد زندگی خود را بر اساس خواسته‌ها و نیازهایشان سامان دهند (Beck, 1992: 78).

جنبش‌های فمینیستی در غرب به بازنگری در مفهوم «زن بودن» و کاهش نقش‌های جنسیتی در تقسیم کار اجتماعی پرداخته‌اند. از دهه ۱۹۲۰ تا ۱۹۷۰، حضور زنان در نیروی کار به‌طور چشمگیری افزایش یافت و مرزهای جنسیتی کمرنگ شد. ویل دورانت نیز در آثار خود به تأثیر انقلاب صنعتی بر آزادی زنان اشاره کرده است.

نکات منفی حقوق زنان در جوامع غربی

با وجود پیشرفت‌های اجتماعی، زنان همچنان با فشارهای فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند که انتخاب‌های آنان را محدود می‌سازد؛ از جمله انتظارات سنتی درباره نقش‌های جنسیتی(Wolf, 1991: 34). تا نیمه قرن نوزدهم، قوانین قیومیت در کشورهای اروپایی به‌شدت بر حقوق زنان سایه افکنده و آنان را از حقوقی چون مالکیت دارایی محروم می‌کرد. برای نمونه، در فرانسه زنان تا سال ۱۸۸۱ حق افتتاح حساب بانکی نداشتند و این حق تنها پنج سال بعد برای زنان متأهل فراهم شد. در انگلستان نیز تا سال ۱۹۷۵ زنان بدون اجازه همسرانشان امکان افتتاح حساب بانکی نداشتند (مولر آگین، ۱۳۸۳: ۴۵).

نابرابری در پرداخت دستمزد یکی از چالش‌های جدی زنان در جوامع غربی است؛ به‌گونه‌ای که آنان معمولاً حقوقی کمتر از مردان دریافت می‌کنند و این امر به تبعیض اقتصادی منجر می‌شود (Blau & Kahn, 2017: 5). انقلاب صنعتی نیز تغییرات عمده‌ای در زندگی بشر ایجاد کرد. با انتقال تولید از شیوه‌های دستی به کارخانه‌ها، مسأله اشتغال زنان مطرح شد. هرچند کارخانه‌ها زنان را به کار دعوت کردند، این اقدام نه به‌منظور ارتقای جایگاه اجتماعی آنان، بلکه به دلیل هزینه پایین نیروی کار زنان بود. ویل دورانت اشاره می‌کند که کارفرمایان زنان را به مردان ترجیح می‌دادند زیرا دستمزد کمتری مطالبه می‌کردند (مولر آگین، ۱۳۸۳: ۵۰؛ Tjaden & Thoennes, 2000: 6).

از سوی دیگر، برخی متفکران غربی دیدگاه‌های منفی نسبت به زنان داشته‌اند. ژان ژاک روسو در آثار خود زنان را موجوداتی فاقد عقل و نالایق برای تربیت کودکان معرفی کرده و هدف اصلی آنان را ارضای نیازهای مردان دانسته است. او زنان را شایسته کار و اشتغال نمی‌دانست و بر این باور بود که خلقت آنان صرفاً برای خدمت به مردان صورت گرفته است. در گفتمان‌های روسو، روابط زن و مرد به‌گونه‌ای تصویر می‌شود که دو جنس جدا از یکدیگر زندگی می‌کنند و تنها در مواقعی برای ارضای نیازهای جنسی به هم می‌رسند (روسو، ۱۳۹۶: ۷۸).

حقوق زنان در مسائل اجتماعی و سیاسی در اسلام

حقوق زنان در آموزه‌های اسلامی و جوامع غربی تفاوت‌های بنیادینی دارد. در جوامع غربی، جنبش‌های فمینیستی به‌تدریج حقوق زنان را در عرصه‌های مختلف به رسمیت شناخته‌اند؛ در حالی که قرآن و روایات اسلامی از آغاز، بر جایگاه والای زن و حقوق اجتماعی، اقتصادی و خانوادگی او تأکید داشته‌اند. اسلام اهمیت ویژه‌ای برای حقوق زنان قائل است و تلاش‌های مؤثری در ایجاد شرایط مناسب برای آنان انجام داده است.

حق مالکیت و استقلال مالی: قرآن کریم به زنان حق مالکیت و مدیریت مالی اعطا کرده است. در آیه ۳۲ سوره نساء بر استقلال مالی زنان تأکید شده و آیه ۷ همین سوره حق ارث را برای آنان به رسمیت می‌شناسد. مفسرانی چون قرطبی (۱۳۶۴: ۲۴/۵) و زمخشری (۱۹۸۸: ۴۹۸/۱) این آیات را دلیلی بر استقلال مالی کامل زنان دانسته‌اند (طبری، ۱۳۷۸: ۱۲۳/۱۰). این استقلال، زنان را از وابستگی اقتصادی به مردان رها می‌سازد. در مقابل، زنان در جوامع غربی همچنان با چالش‌های اقتصادی مواجه‌اند. ویل دورانت اشاره می‌کند که زنان در اروپا از بندگی در خانه رها شده‌اند، اما به نوعی دیگر از بندگی در محیط کار گرفتار آمده‌اند (دورانت، ۱۳۵۱: ۲۳۴/۱۱). اسلام با الزام مرد به تأمین مخارج خانواده، هرگونه اجبار اقتصادی را از دوش زنان برمی‌دارد (نساء: ۳۴).

حق انتخاب همسر و طلاق: آیه ۲۲۹ سوره بقره: «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ» به‌طور مستقیم به موضوع طلاق و شرایط آن اشاره دارد. در ظاهر، این آیه حق طلاق را برای مردان بیان می‌کند؛ اما مفسران شیعه و اهل سنت بر این باورند که حقوق زنان نیز در آن مورد توجه قرار گرفته است.

علامه طباطبایی در المیزان تأکید می‌کند که اگر ادامه زندگی ممکن نباشد، زنان می‌توانند از طریق طلاق خلع یا رجعی درخواست جدایی کنند (طباطبایی، 1374، ج 2، ص 123).

این حق در منابع روایی نیز تأیید شده است. به‌عنوان نمونه، **کلینی** در الکافی روایت می‌کند که امام صادق (ع) فرموده‌اند: «اگر مردی همسرش را طلاق دهد، او حق دارد از زندگی زناشویی خارج شود و این حق برای او محفوظ است» (کلینی، 1367: ۳۲۸/۵) ./

دیدگاه‌ها درباره حق طلاق: 1. دیدگاه مخالف: برخی فقها طلاق را صرفاً حق مرد دانسته و خروج مستقل زن از زندگی زناشویی را جایز نمی‌دانند. آنان بر تسلط مرد بر خانواده تأکید کرده و محدودیت این حق را برای جلوگیری از هرج و مرج ضروری می‌دانند؛ 2. دیدگاه مختار: در مقابل، گروهی از مفسران معتقدند آیه ۲۲۹ به‌وضوح حق خروج زنان از زندگی مشترک را تأیید می‌کند. روایت کلینی نیز نشان می‌دهد که زن در اسلام موجودی مستقل و دارای حقوق است. بر این اساس، زنان در صورت عدم توافق، حق پایان دادن به زندگی زناشویی را دارند (کلینی، 1367: ۳۲۸/۵) .

سازوکارهای شرعی برای طلاق زنان: با توجه به عموم آیه «الطَّلَاقُ مَرَّتَانِ»، باید میان انواع حقوق مربوط به طلاق تفکیک کرد. ایجاب ابتدایی طلاق با مرد است؛ اما شریعت اسلام راهکارهایی معتبر برای زنان نیز پیش‌بینی کرده است:

- خلع: زن می‌تواند با بخشیدن مالی (مانند مهریه) به شوهر، از قید نکاح رهایی یابد (بقره: ۲۲۹).
- تفویض طلاق: مرد می‌تواند حق طلاق را به‌طور شرعی به زن واگذار کند.

این سازوکارها نشان می‌دهند که زن مسلمان نیز از حق قانونی و معتبر برای پایان دادن به ازدواج برخوردار است.

دیدگاه مفسران درباره قوامیت مرد

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء، قوامیت مرد را ناشی از دو عامل می‌داند: مدیریت ناشی از فضیلت تکوینی و تعهد شرعی در تأمین هزینه‌های زندگی. او تأکید می‌کند که اگر مرد وظایف خود را انجام ندهد، قیم زن نخواهد بود. اطاعت زن نیز تنها در صورتی جایز است که فرمان شوهر مطابق امر الهی باشد.

در مقابل، آیت‌الله مکارم شیرازی، موسوی همدانی و استاد الهی قمشه‌ای بر اطاعت زنان از شوهران و حفظ حقوق آنان در غیابشان تأکید دارند. آنان آیه «وَٱلَّـٰتِی تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ...» را بیانگر مراحل اخلاقی و تربیتی در برخورد با نافرمانی همسر می‌دانند (مکارم شیرازی، 1374؛ موسوی همدانی، 1372؛ الهی قمشه‌ای، 1370).

اسلام با پذیرش نص آیات و روایات، ضمن تأکید بر حق ابتدایی طلاق برای مردان، سازوکارهایی معتبر برای زنان نیز پیش‌بینی کرده است. این رویکرد، کرامت زن را به رسمیت شناخته و او را صاحب اراده و حق تصمیم‌گیری در مهم‌ترین شئون زندگی می‌داند (فروغی، بی‌تا، ص ۴۵).

حقوق زن در اسلام بر اساس نگاهی کرامت‌محور به انسان شکل گرفته و زن را صاحب اراده و حق تصمیم‌گیری در زندگی می‌داند. قرآن بر عدالت در روابط خانوادگی تأکید دارد و مردان را به رعایت عدالت در قبال همسران موظف می‌سازد (طوسی، ۱۳۶۲: ۴۴۵/۵).

تأکید بر عدالت خانوادگی و منع خشونت: قرآن بر عدالت در روابط خانوادگی تأکید دارد. آیه ۱۲۴ سوره بقره، مردان را به رعایت عدالت در قبال همسران خود موظف می‌سازد (طوسی، 1362: ۴۴۵/۵). همچنین، ظلم و ستم به زنان در اسلام محکوم شده است به‌عنوان نمونه، در آیه ۲۲۹ سوره بقره، مرد از هرگونه تعرض به اموال و تعدی به حیثیت و آبروی زن منع شده است؛ آیه «فَلَا تَعْتَدُوهَا» و مفهوم «امساک بمعروف» در قرآن کریم از اصول بنیادین روابط زناشویی و حقوق زنان به شمار می‌رود. مفسران شیعه و اهل سنت بر اهمیت این آموزه تأکید کرده‌اند: علامه طباطبایی در المیزان، «امساک بمعروف» را نگهداری همسر بر پایه انصاف و عدالت دانسته و بر پرهیز از ظلم و تعدی و رفتار مبتنی بر محبت و احترام تأکید می‌کند (طباطبایی، 1374: 123/2). آیت‌الله مکارم شیرازی نیز بر ضرورت رعایت حقوق زنان و احترام به آنان تأکید دارد (مکارم شیرازی، 1374: 340/2). شیخ طبرسی این آیه را قاعده‌ای کلی در روابط زناشویی معرفی کرده است (طبرسی، 1372: 45/5). ابن کثیر

و قرطبی، «امساک بمعروف» را راهنمای عملی برای زندگی مشترک دانسته و بر رفتار نیکو، محبت و عدالت در روابط خانوادگی تأکید کرده‌اند (ابن کثیر، 1400: 450/1؛ قرطبی، 1400: 123/4). فخر رازی این مفهوم را علاوه بر رعایت عدالت، شامل توجه به نیازهای عاطفی و اجتماعی همسر می‌داند (فخر رازی، 1400: 78/3). سید قطب نیز آن را اصلی اخلاقی در زندگی زناشویی معرفی کرده است (سید قطب، 1400: 112/5).

بر اساس این تفاسیر، «امساک بمعروف» نه‌تنها به معنای رفتار نیکو با همسر است، بلکه به‌عنوان اصل اخلاقی و حقوقی در اسلام، هرگونه تعدی و بی‌احترامی به زنان را مخالفت با کرامت انسانی و آموزه‌های اسلامی می‌داند.

همچنین، در آیه ۶ سوره طلاق، هر نوع بی‌عدالتی به‌صراحت نهی شده است. روایات نیز خشونت نسبت به زنان را نکوهش می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۷: ۵۱۰/۵؛ محدث نوری، ۱۴۰۸: ۲۵۱/۱۴).

آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر آیه ۳۴ سوره نساء قیمومیت مرد را ناشی از مسئولیت مدیریت و تأمین هزینه‌ها می‌داند و تأکید می‌کند که در صورت کوتاهی مرد از این وظایف، قیمومیت او منتفی خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۲۵۰/۲). الحبری نیز دایره نشوز را محدود دانسته و بر اساس خطبه حجه‌الوداع، تنها استثنای جواز ضرب زنان را ارتکاب فاحشهٔ مبینه معرفی می‌کند (الحبری، ۲۰۰۳: ۹۱). او معتقد است که اسلام نه تنها حقوق زنان را سلب نمی‌کند، بلکه مدافع و مطالبه‌کننده آن است (الحبری، ۱۹۹۷: ۳). الحبری فقه اسلامی را ذاتاً پدرسالار نمی‌داند و انتقادات غربی‌ها را ناشی از ناآگاهی نسبت به تاریخ و تنوع فقه اسلامی قلمداد می‌کند (الحبری، ۲۰۰۰: ۵۲).

در زمینه قضاوت زنان نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیت‌الله نوری همدانی قضاوت زنان را در چارچوب موازین اسلامی مجاز می‌داند (نوری همدانی، ۱۳۸۶: ۹۰/۲)، در حالی که برخی فقها مانند آیت‌الله محمد هادی معرفت و آیت‌الله بهجت شرط ذکورت را برای قضاوت لازم می‌دانند (معرفت، ۱۳۸۵: ۵۵/۱؛ بهجت، ۱۳۸۴: ۲۲/۱).

قرآن کریم به‌صراحت بر حقوق زنان تأکید دارد و در آیات مختلف به استقلال مالی و حقوق اجتماعی آنان اشاره می‌کند. آیت‌الله محمد گیلانی نیز محدود کردن زنان به خانه را بهانه‌ای برای دشمنان اسلام دانسته است (گیلانی، ۱۴۰۰: ۴۵/۱).

فمینیسم اسلامی: فمینیسم اسلامی رویکردی نوین است که به دنبال همسان‌سازی حقوق زنان در اسلام با حقوق زنان در غرب بر اساس آموزه‌های فمینیسم غربی می‌باشد. این جریان خواستار تجدید نظر در قوانین و ساختار اجتماعی است و بر این باور است که جامعه ایران سال‌ها تحت سلطه نظام مردسالاری بوده و برای دگرگونی، اصلاح قوانین و تغییر دیدگاه فرهنگی ضرورت دارد (توحیدی، ۱۳۷۶: ش۱۲۹/۳). اسلام نه تنها حقوق زنان را سلب نمی‌کند، بلکه مدافع آن‌هاست. تأکید بر حقوق زنان در قرآن و روایات نشان‌دهنده جایگاه والای زن در جامعه اسلامی است و جوامع اسلامی باید بر اساس این آموزه‌ها شرایط بهتری برای زنان فراهم کنند.

زنان در جوامع غربی به‌طور فزاینده‌ای در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی فعال هستند، اما در برخی جوامع اسلامی موانعی برای تحقق این مشارکت وجود دارد (Inglehart & Norris, 2016: 12). نابرابری‌های جنسیتی و آموزه‌های فرهنگی نادرست نیز بر این موضوع تأثیرگذارند (باس و اسئیلمن، ۲۰۰۶: ۳۶۲). با وجود پیشرفت‌های قانونی در جوامع غربی، زنان همچنان با چالش‌هایی مواجه‌اند. سیاست‌های اتحادیه اروپا در مواردی هویت زنان را نادیده گرفته و مسائل اساسی مربوط به حقوق آنان را مغفول گذاشته است (هنده اسلن، ۱۳۹۸: ش۱/۲۲۱-۲۳۸).

نکات منفی در جوامع اسلامی علی‌رغم آموزه‌های قرآنی

برداشت‌های نادرست از آیات: برخی تفسیرها و برداشت‌های ناصحیح از آیات قرآن، به‌ویژه آیات مربوط به سرپرستی مردان، ممکن است به نابرابری‌های جنسیتی منجر شود (مکارم شیرازی، ۱۳۹۳: ۷۸/۱۲). این نکته بر ضرورت بازگشت به تفسیرهای صحیح و خالصانه از متون اسلامی، فارغ از تأثیرپذیری از فرهنگ‌های محلی، تأکید دارد. در آیه ۵۸ سوره نساء، خطاب عام «يَأْمُرُكُمْ» با ضمیر «کُم» به‌صورت جمع و بدون هیچ قید جنسیتی، تمامی مؤمنان را شامل می‌شود. این عمومیت، یکی از قواعد مسلم اصول فقه شیعه به‌شمار می‌رود. علامه طباطبایی در المیزان (بی‌تا، ۳۸۶/۴) تصریح می‌کند: «خطاب در آیه عام است و شامل همه مکلفان می‌شود».

مفهوم «حَكَمْتُمْ» نیز به‌صورت عام آمده و شرط اصلی در آن، «قضاوت به عدل» است، نه جنسیت قاضی. بنابراین، هر فردی ـ زن یا مرد ـ که دارای علم به احکام (اجتهاد) و توانایی اجرای عدالت باشد، مشمول این فرمان الهی خواهد بود.

در تفسیر واژه «الأمانات»، بسیاری از مفسران آن را به معنای گسترده‌ای از مسئولیت‌های اجتماعی، از جمله منصب قضاوت، دانسته‌اند.

در جوامع اسلامی، تأثیر فرهنگ ناصحیح و تفسیرهای نادرست از دین می‌تواند مانع تحقق کامل حقوق زنان شود. از این رو، نیاز به بازنگری در این تفسیرها و تأکید بر آموزه‌های اصلی اسلامی وجود دارد که به حقوق زنان احترام می‌گذارد و در قرآن و روایات به‌وضوح مورد تأکید قرار گرفته است (منتظری، ج۳۳۹/۱؛ موسوی خویی، ۱۴۱۰ق: ۲۲۶).

تأثیر فرهنگ‌های غیر اسلامی: در برخی جوامع اسلامی، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی موجب نادیده‌گرفتن حقوق زنان شده‌اند؛ در حالی که قرآن به‌صراحت بر این حقوق تأکید دارد (فروغی، بی‌تا، ۴۵). این شکاف میان «اسلام نظری» و «اسلام عملی» در برخی جوامع، ضرورت انجام فعالیت‌های فرهنگی و فکری عمیق را برای انطباق عرف اجتماعی با شریعت اصیل نمایان می‌سازد. در جوامع غربی، زنان به‌طور فزاینده‌ای در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی حضور فعال دارند؛ در حالی‌که در برخی جوامع اسلامی، همچنان ممکن است نابرابری‌هایی وجود داشته باشد که مانع تحقق کامل حقوق زنان شود (Inglehart & Norris, 2016: 12).

نـابرابری در مشـــارکت اجتماعی و اقتصـــادی: در حالی که زنان در جوامع غربی به‌طور فزاینده‌ای در عرصـــه‌های اجتماعی و اقتصـــادی فعال هســـتند، در برخی جوامع اســـلامی، هنوز موانعی برای تحقق کـامل این مشـــارکت وجود دارد (Inglehart & Norris, 2016: 12).

این نکات نشان‌دهنده برتری دیدگاه قرآن و اسلام در زمینه حقوق زنان است؛ دیدگاهی که بر عدالت، کرامت انســـانی و مشـــارکت فعال زنان در جامعه تأکید دارد. با این حال، پیچیدگی‌های فرهنگی و اجتماعی در هر دو نظام، مانع از تحقق کامل این حقوق شـــده‌اند. به‌طور کلی، حقوق زنان در عرصـه‌های اجتماعی و سیاسی در قرآن و روایات به‌وضوح مورد تأکید قرار گرفته است و زنان از جایگاه و مسئولیت‌های مشخصی برخوردارند؛ در حالی که جوامع غربی با وجود پیشـــرفت‌های قانونی، همچنان با چالش‌هایی در این زمینه مواجه‌اند.

3. مدیریت و حکومت زنان در غرب و اسلام

مدیریت و رهبری زنان در جوامع غربی و اسلامی تفاوت‌های قابل توجهی دارد و هر فرهنگ، دیدگاه‌های خاصی درباره نقش زنان در این حوزه‌ها ارائه می‌دهد. در جوامع غربی، زنان به‌تدریج به مناصب سیاسی عالی‌رتبه دست یافته‌اند؛ نمونه‌هایی چون آنگلا مرکل و هیلاری کلینتون نشان‌دهنده این روند هستند (Krook & Norris, 2014). این پیشرفت‌ها عمدتاً حاصل تلاش‌های جنبش‌های فمینیستی و تغییر نگرش‌های اجتماعی نسبت به نقش‌های جنسیتی است (Tong, 2009).

در آموزه‌های اسلامی، دیدگاه‌ها درباره صلاحیت زنان برای تصدی مقام‌های عمومی متفاوت است. برخی محدودیت‌هایی مطرح می‌کنند، در حالی که دیگران با استناد به قرآن، مشارکت زنان را تأیید می‌کنند. بلقیس، ملکه سبا، نمونه‌ای از رهبری زنان است (مجلسی، ۱۳۶۲). مفسرانی مانند علامه طباطبایی به صلاحیت زنان در حکمرانی اشاره کرده‌اند (علامه طباطبایی، بی‌تا: ۳۸۵/۱۵). در تفسیر آیات سوره نمل، نحوه مدیریت و مشورت‌پذیری بلقیس نشانه‌ای از «عقل سیاسی رشید» او دانسته شده و قرآن با نقل این ماجرا، الگویی از حاکمیت موفق یک زن را ارائه می‌دهد. همچنین فخر رازی در تفسیر کبیر بر «کمال عقل و حسن تدبیر» ملکه سبا تأکید می‌ورزد (فخر رازی، ۱۴۱۵: ۱۸۰/۲۴).

آیات و روایات نشان می‌دهند که زنان می‌توانند مسئولیت‌های حکومتی را بر عهده بگیرند و منع شرعی در این زمینه وجود ندارد. (نساء: ۷ و ۳۲؛ نمل: آیات مربوط به ملکه سبأ). اسلام بر تساوی حقوق انسانی زن و مرد تأکید دارد، اما تفاوت‌های طبیعی ایجاب می‌کند که در برخی حقوق و تکالیف وضع مشابهی نداشته باشند. آیت‌الله جوادی آملی تأکید می‌کند که حقوق باید متناسب با نیازهای طبیعی هر جنس تنظیم شود تا به سعادت خانوادگی و پیشرفت جامعه کمک کند (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۴۱۴-۴۱۷).

در دنیای غرب، تلاش می‌شود تا قوانین و حقوق زن و مرد یکسان شود، اما این رویکرد تفاوت‌های ذاتی را نادیده می‌گیرد. طرفداران حقوق اسلامی معتقدند که تساوی حقوق زن و مرد یک مفهوم تقلبی است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۲۲-۱۲۶). آیت‌الله جوادی

آملی بر این نکته تأکید دارد که عدالت و حقوق انسانی باید با توجه به تفاوت‌های طبیعی زن و مرد تنظیم شود (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۰۶-۳۱۷).

در زمینه قضاوت زنان نیز دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. آیت‌الله صانعی و مرعشی قضاوت زنان را تأیید کرده و شرط ذکورت را ضروری نمی‌دانند (صانعی، ۱۳۹۹: ۱۱۲/۲؛ مرعشی، ۱۴۰۱: ۷۸/۳). موسوی بجنوردی نیز با توجه به عدم وجود نصوص صریح بر منع قضاوت زنان، آن را بلامانع دانسته و این سیره عقلایی را با اصول اسلامی سازگار می‌داند (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۰: ۳۷۵/۲). آیت‌الله بجنوردی با استناد به آیات و روایات، قضاوت زنان را واجب می‌داند (بجنوردی، ۱۳۸۹: ۳۰/۱). سید عبدالکریم موسوی اردبیلی نیز بیان می‌کند که اگر زن شرایط لازم برای قضاوت را داشته باشد، منع شرعی وجود ندارد (موسوی اردبیلی، ۱۴۰۲: ۱۵۰/۱).

در برخی جوامع اسلامی، چالش‌های فرهنگی و اجتماعی موجب نادیده‌گرفتن حقوق زنان شده‌اند، در حالی که قرآن به‌صراحت بر این حقوق تأکید دارد (فروغی، بی‌تا: ۴۵). شکاف میان «اسلام نظری» و «اسلام عملی» ضرورت فعالیت‌های فرهنگی برای انطباق عرف اجتماعی با شریعت را نمایان می‌سازد. در جوامع غربی، زنان به‌طور فزاینده‌ای در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی حضور فعال دارند؛ اما در برخی جوامع اسلامی، نابرابری‌هایی وجود دارد که مانع تحقق کامل حقوق زنان می‌شود(Inglehart & Norris, 2016: 12). زنان مسلمان با چالش‌های فرهنگی و قوانین تبعیض‌آمیز مواجه‌اند که مانع مشارکت آنان در حکمرانی می‌شود (اشتریان، ۱۳۹۱: ۱۵۰/۲). اصلاحات در قوانین برای حمایت از مشارکت زنان ضروری است (امیدوار، ۱۳۹۰: ۸۰/۱).

در نهایت، مدیریت و حکومت زنان در هر دو فرهنگ تحت تأثیر ساختارهای اجتماعی، تاریخی و تفاسیر فرهنگی قرار دارد. هرچند مسیرها و چالش‌ها متفاوت‌اند، اما هر دو رویکرد به‌دنبال ارتقاء جایگاه زنان در عرصه‌های رهبری و تصمیم‌گیری هستند.

4. نبوت و امامت زن در دیدگاه غرب و اسلام

در جوامع کلیسایی قرون وسطی، زنان به‌عنوان مظهر شیطان و عامل وسوسه‌ها شناخته می‌شدند و این دیدگاه منجر به بدبینی شدید نسبت به آنان گردید. روحانیون از ازدواج پرهیز می‌کردند تا از آلودگی‌ها دور بمانند و زنان در کلیسا باید در سکوت و اطاعت مسائل روحانی را می‌آموختند و اجازه نداشتند به مردان آموزش دهند (مولر آگین، ۱۳۸۳). این نگرش تا چند دهه پیش نیز ادامه داشت و زنان در برخی کشورها حق دریافت مدارک تحصیلی را نداشتند.

در غرب، دیدگاه‌های متنوعی درباره نبوت و امامت زنان وجود دارد که تحت تأثیر مباحث فمینیستی و حقوق بشر شکل گرفته است. آثار متعددی به نقد سنت‌های دینی و بررسی نقش زنان در رهبری دینی پرداخته‌اند؛ از جمله کتاب « The Feminine Mystique» اثر بتی فریدان (۱۹۶۳) و « Gender and Religion: The Dark Side of Scripture».

در اندیشه اسلامی، برخی معتقدند زنان به مقام نبوت نرسیده‌اند، هرچند مقام ولایت برای آنان قابل تصور است (شمس‌الدین، ۱۳۷۷). علامه طباطبایی تأکید می‌کند که پیامبران اولوالعزم همگی مرد بوده‌اند و به زنان وحی تشریعی نرسیده است (طباطبایی، بی‌تا:

۱۴۱/۲؛ ۴۹/۴–۱۵۰). پس از ختم نبوت، مسیر رسالت برای همه انسان‌ها، اعم از زن و مرد، بسته شده است. مخالفان به آیات قرآن استناد می‌کنند که تنها مردان را به رسالت فرستاده‌اند و فخر رازی نیز مریم(س) را جزء انبیاء نمی‌داند (فخر رازی، ۱۴۱۵: ۳۱۶/۳).

در مقابل، موافقان به آیاتی اشاره می‌کنند که از وحی به زنان سخن می‌گویند، مانند وحی به مادر موسی و مریم(س). شخصیت‌هایی چون حضرت مریم و آسیه همسر فرعون الگوی مؤمنان شدند. در قرن شانزدهم میلادی، برخی از شهرهای اروپایی به پرستش مریم باکره مشهور بودند (لین، ۱۳۹۶: ۲۷۷). حضرت مریم (س) شخصیتی است که می‌تواند به‌عنوان نقطه مرکزی برای ایجاد تفاهم و گفت‌وگوی سازنده میان پیروان اسلام و مسیحیت عمل کند. الگویی که از شخصیت این بانوی بزرگ و دیگر زنان محترم مانند حضرت زهرا (س) به دست می‌آید، می‌تواند در پیگیری سیاست‌ها و راهبردهای مشترک دو دین آسمانی تأثیرگذار باشد. تقویت عفاف، به‌ویژه از طریق تأکید بر معنویت، بندگی، صداقت و خدمت به دیگران، از جمله محورهای اساسی این سیاست به شمار می‌رود (زیبایی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۳۹).

به نظر می‌رسد رأی مختار آن است که در اسلام، نقش و جایگاه زنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است، هرچند برخی دیدگاه‌ها تفاوت‌هایی در مقام نبوت و امامت میان مردان و زنان مطرح می‌کنند. بر اساس قرآن و روایات، زنانی چون مریم و فاطمه (س) نمونه‌هایی از برتری‌های معنوی هستند، اما بیشتر علمای مسلمان بر این باورند که نبوت و رسالت به‌دلیل نیاز به ارتباط گسترده با جامعه ویژه مردان است. با این حال ولایت و کمال معنوی برای هر دو جنس قابل دستیابی است (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۱۲). اسلام در مسیر رشد و تعالی، تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست و تنها در برخی مسئولیت‌های اجرایی، مردان را مناسب‌تر دانسته است (مطهری، ۱۳۷۴: ۱۲۱).

5. ولایت و قضاوت زنان از دیدگاه غرب و اسلام

دیدگاه غرب درباره ولایت و قضاوت زنان تحت تأثیر مباحث فمینیستی و حقوق بشر شکل گرفته است. آثار متعددی در این حوزه به نقد سنت‌های حقوقی و بررسی نقش زنان در ساختارهای قضایی و مدیریتی پرداخته‌اند. از جمله:

- Women and the Law: A Comparative Study of the Legal: اثر الیزابت مکینلی (2000)، که وضعیت حقوقی زنان در ایالات متحده و بریتانیا را بررسی کرده و نتیجه می‌گیرد تفاوت‌های فرهنگی و قانونی به‌طور مستقیم بر مشارکت زنان در ساختارهای قضایی تأثیر می‌گذارد.
- History Matters: Patriarchy and the Challenge of Feminism: اثر جودیت ام. بنت (1990)، که تاریخچه پدرسالاری و چالش‌های فمینیسم در حوزه قضاوت و رهبری را تحلیل کرده است.
- Women and the Law: A Feminist Perspective: اثر باربارا هریسون (1998)، که تأثیرات جنسیتی در نظام‌های قضایی و موانع دستیابی زنان به مقامات قضایی را بررسی می‌کند.

- Feminism and the Power of Law: اثر کارول اسمارت (1989)، که نقش فمینیسم در تحول نظام‌های حقوقی و نقد محدودیت‌های ساختاری علیه زنان را تحلیل می‌کند.
- Women and the Law: A Global Perspective: اثر مری کرافورد (2006)، که وضعیت زنان در نظام‌های حقوقی جهانی و چالش‌های آنان در دستیابی به مناصب قضایی را بررسی کرده است.

این منابع نشان‌دهنده تنوع دیدگاه‌ها و تلاش‌های نظری برای ارتقای جایگاه زنان در حوزه ولایت و قضاوت در جوامع غربی هستند.

در آموزه‌های اسلامی ولایت و قضاوت به‌عنوان امور الهی با مشروعیت شرعی شناخته می‌شوند. آیه ۳۴ سوره نساء به قیمومیت مردان اشاره دارد که برخی مفسران آن را به برتری در تدبیر خانوادگی تفسیر کرده‌اند (قرطبی، ۱۳۶۴: ۲۳۵/۱۵) . با این حال، قیمومیت به معنای برتری ذاتی مردان نیست، بلکه به سرپرستی و نگهبانی اشاره دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۰۱) . قرآن بر حقوق متقابل زن و مرد تأکید دارد و ملاک برتری در پیشگاه خدا تقواست، نه جنسیت. این دیدگاه در تفسیرهای مختلف نیز تأکید شده است و قوامیت مردان به معنای عدالت و مسئولیت در قبال خانواده است، نه تسلط و استبداد (فخر رازی، ۱۴۱۵: ۸۸/۱۰). علامه طباطبایی نیز در المیزان بر این نکته تأکید دارد که عدالت اجتماعی اقتضا می‌کند هر صاحب حق به حق خود برسد و تساوی حقوق به معنای عدم مزاحمت حقوق یکدیگر است (طباطبایی، بی‌تا: ۴۱۵/۲).

در فقه اسلامی، دیدگاه‌ها درباره قضاوت زنان متنوع است. فقهای مذاهب مالکی، شافعی و حنبلی مرد بودن را شرط قضاوت دانسته‌اند، در حالی که ابن‌حزم و ابن‌جریر طبری معتقدند زنان نیز می‌توانند قاضی شوند (فصلنامه فقه اهل بیت، ش۴۲: ۸۳–۸۴)) . برخی فقها مانند شهید اول و شیخ انصاری قضاوت زنان را مجاز شمرده‌اند، در حالی که اکثریت فقها این موضوع را رد کرده‌اند. طرفداران جواز قضاوت به آیاتی استناد می‌کنند که شامل زنان نیز می‌شود، مشروط بر احراز شرایط لازم (کلباسی اصفهانی، ۱۴۰۰: ۶۵–۲۳). ممنوعیت قضاوت زنان در اسلام قطعی نیست و با توجه به دلایل موجود، می‌توان نتیجه گرفت که زنان می‌توانند در این منصب فعالیت کنند، مشروط بر داشتن شرایط لازم (نجفی، بی‌تا: ۱۴/۴۰).

آیت‌الله خویی و استاد جوادی آملی بر این باورند که زنان می‌توانند به مقام قضاوت و مرجعیت دست یابند، مشروط بر داشتن شرایط لازم و اجتهاد (جوادی آملی، ۱۳۸۵). واژه «رجل» به معنای نوع انسان است و نمی‌تواند دلیلی بر ممنوعیت قضاوت زنان باشد. نیمی از جامعه را زنان تشکیل می‌دهند و آنان ممکن است به مقام اجتهاد برسند. «رجل» در این آیات به معنای محرومیت از حق قضاوت نیست، بلکه سلب تکلیف برای تسهیل کارهاست (جوادی آملی، ۱۳۸۵: 303) . آیت‌الله خویی نیز ادله نقلی حرمان زنان از قضاوت را مخدوش دانسته و منع شرعی برای آن قائل نشده است (خویی، ج۳۱۳/۱).

آیت‌الله العظمی خویی در مستند العروة الوثقی و مبانی تکملة المنهاج (بروجردی، ج۳۱۳/۱)، با استناد به آیه ۳۲ سوره نساء، قضاوت زنان را جایز می‌شمارد و ادله نقلی منع قضاوت زنان را فاقد اعتبار کافی برای اثبات حرمت می‌داند. ایشان معتقد است که

اصل اولیه در این مسئله، اباحه و جواز است. مهم‌ترین ادله جواز این مهم عبارت‌اند از: «وجوب امر به معروف و نهی از منکر»، «امضای پادشاهی بلقیس توسط شارع»، «اطلاق و عموم ادله نقلی ولایت فقیه» و «امضاء و عدم ردع شارع از بناء و سیره عقلاء» (خبرنگار اجتهاد، گفت‌وگو با نریمانی زمان‌آبادی، ۱۴۰۰).

6. مرجعیت زنان از دیدگاه غرب و اسلام

مرجعیت تقلید و قضاوت از موضوعات مهم در فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی غربی به‌شمار می‌رود. در جوامع غربی، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان افزایش یافته و زنان به‌عنوان رهبران سیاسی، قضات و صاحب‌نظران حقوقی شناخته می‌شوند. به‌عنوان نمونه، در کشورهای اسکاندیناوی، زنان به‌طور فعال در سطوح بالای سیاسی مشارکت دارند و جنسیت مانعی برای دستیابی به مقام‌های اجتماعی محسوب نمی‌شود (Inglehart & Norris, 2003) قوانین این کشورها بر برابری حقوقی میان زنان و مردان تأکید دارند و تلاش می‌کنند موانع ساختاری را از میان بردارند (Mackinnon, 1989).

در مقابل، در فقه اسلامی، دیدگاه‌ها درباره مرجعیت زنان متفاوت است. برخی از علمای مذاهب مالکی و شافعی، مرد بودن را شرط لازم برای مرجعیت و قضاوت می‌دانند (ابن‌حزم، ۱۴۱۸). اما گروهی دیگر از فقها، از جمله برخی اندیشمندان شیعه، بر این باورند که هر فردی که به درجه اجتهاد برسد و شرایط لازم را دارا باشد، می‌تواند به مقام مرجعیت نائل شود، فارغ از جنسیت.

آیت‌الله جوادی آملی تأکید می‌کند که جنبه‌های عاطفی زنان نباید مانع از توانایی‌های عقلانی آنان تلقی شود. به‌زعم ایشان، اگر زنی از اعتدال عقل برخوردار باشد، می‌تواند در مقام قضاوت و استنباط احکام موفق عمل کند (جوادی آملی، ۱۳۸۵: ۳۰۴).

در مقایسه، جوامع غربی بر اصل برابری جنسیتی در ساختارهای حقوقی و سیاسی تأکید دارند، در حالی که در اسلام، نظرات فقهی متنوعی در این زمینه وجود دارد. برخی فقها همچنان مرجعیت را مختص مردان می‌دانند، اما دیگران بر امکان فعالیت زنان در این عرصه تأکید دارند و به شواهد قرآنی و روایی در حمایت از این دیدگاه استناد می‌کنند.

به‌طور کلی، آموزه‌های اسلامی بر کرامت انسانی و حقوق برابر زن و مرد تأکید دارند و خواهان مشارکت فعال زنان در امور اجتماعی، فرهنگی و علمی هستند. تحقق این هدف، نیازمند بازنگری در برخی نگرش‌های سنتی و اصلاحات فرهنگی در جوامع اسلامی است تا زنان بتوانند به‌طور کامل از ظرفیت‌های خود بهره‌مند شوند و در مسیر رشد علمی و اجتماعی گام بردارند.

7. تأثیر آداب و رسوم فرهنگی و قومی بر جایگاه زن در غرب و جامعه اسلامی

تأثیر آداب و رسوم فرهنگی و قومی بر جایگاه زن در غرب موضوعی پیچیده و چندبعدی است که به عوامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بستگی دارد. در جوامع غربی، آداب و رسوم فرهنگی می‌توانند به‌طور مثبت یا منفی بر حقوق و جایگاه زنان تأثیر بگذارند. یکی از جنبه‌های مثبت این تأثیر، تأکید بر برابری جنسیتی و حقوق زنان است. در بسیاری از کشورهای غربی، جنبش‌های فمینیستی به‌عنوان نیروی محرکه تغییر نگرش‌ها و قوانین مربوط به حقوق زنان عمل کرده‌اند. این جنبش‌ها به‌ویژه در دهه‌های

اخیر توانسته‌اند تغییرات قانونی و اجتماعی ایجاد کنند که حقوق زنان را تقویت کرده است (Tong, 2009: 1/25-40).

با این حال، برخی آداب و رسوم فرهنگی می‌توانند به‌عنوان موانع برای پیشرفت زنان عمل کنند. به‌عنوان مثال، در جوامع خاصی فشارهای اجتماعی و انتظارات فرهنگی ممکن است زنان را از دستیابی به فرصت‌های شغلی و تحصیلی بازدارد (Inglehart & Norris, 2003: 62-70). این موضوع به‌ویژه در جوامع مهاجر و اقلیت‌های قومی مشهود است، جایی که سنت‌های قدیمی ممکن است با ارزش‌های مدرن در تضاد باشند. علاوه بر این، رسانه‌ها و فرهنگ عامه نیز نقش مهمی در شکل‌دهی نگرش‌ها نسبت به زنان دارند. تصاویری که در رسانه‌ها از زنان ارائه می‌شود، می‌تواند تأثیر عمیقی بر خودباوری و جایگاه اجتماعی آنان داشته باشد (Wolf, 1991: 1/150-165). نمایش زنان در نقش‌های سنتی یا به‌عنوان اشیاء جنسی می‌تواند به تقویت کلیشه‌ها منجر شود که بر حقوق و فرصت‌های زنان تأثیر منفی می‌گذارد.

بررسی وضعیت زنان در صدر اسلام نشان می‌دهد که قوانین اسلامی به‌روشنی حقوق آنان را در حوزه‌هایی چون ارث، ازدواج، تحصیل و مشارکت اجتماعی تعیین کرده و بر احترام به این حقوق تأکید داشته است (نساء: ۷). فرهنگ اسلامی بر عدالت، برابری و کرامت انسانی زنان تأکید دارد و آنان را به‌عنوان اعضای ارزشمند جامعه معرفی می‌کند که باید در تصمیم‌گیری‌ها و فعالیت‌های اجتماعی مشارکت فعال داشته باشند. پیامبر اسلام (ص) در حدیثی می‌فرمایند: «إنّما النساء شقائق الرجال» (سیوطی، ۱۴۱۴: ح۲۵۶۰)، که بر هم‌ارز بودن زنان و مردان در ظرفیت‌های انسانی دلالت دارد. همچنین، قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره مجادله بر اهمیت آموزش و آگاهی زنان تأکید کرده و آنان را به کسب علم و حضور مؤثر در جامعه تشویق می‌کند.

در صدر اسلام، زنان در عرصه‌های مختلفی مانند آموزش، پزشکی و حتی مشورت‌های سیاسی نقش‌آفرینی داشتند. الگوهایی چون خدیجه (س) و فاطمه (س) نمونه‌هایی از زنان موفق و فعال در جامعه اسلامی هستند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰: ۱۳۴/۸). اسلام با ظهور خود، تبعیض‌های رایج در دوره جاهلیت را نفی کرد و نگرشی نوین نسبت به جایگاه زن ارائه داد (تکویر: ۸–۹).

با این حال، در جوامع اسلامی امروز، آداب و رسوم فرهنگی و قومی گاه به‌گونه‌ای عمل می‌کنند که مانع تحقق کامل حقوق زنان می‌شوند. در حالی که قرآن در آیه ۲۲۸ سوره بقره بر حقوق متقابل زن و مرد تأکید دارد، برخی نگرش‌های سنتی و غیرمبتنی بر منابع اصیل اسلامی محدودیت‌هایی را برای زنان ایجاد کرده‌اند. این امر ضرورت بازنگری و تطبیق آموزه‌های اسلامی با شرایط معاصر را آشکار می‌سازد.

افزایش آگاهی، ارتقای سطح تحصیلات و مشارکت اجتماعی زنان می‌تواند به اصلاح نگرش‌های فرهنگی و تغییر آداب و رسوم آسیب‌زا کمک کند. استفاده از رسانه‌ها و فضای مجازی نیز بستری مناسب برای بیان تجربیات، افزایش آگاهی عمومی و تقویت شبکه‌های حمایتی زنان فراهم می‌آورد.

برای تفکیک قوانین اسلامی از آداب و رسوم فرهنگی، لازم است ابتدا متون دینی مرتبط با حقوق زنان به‌دقت بررسی شوند و تفاوت آن‌ها با سنت‌های رایج شناسایی گردد.

مشاوره با کارشناسان حقوقی، جامعه‌شناسان و فعالان حوزه زنان، برگزاری کارگاه‌ها و سمینارهای آموزشی و تدوین راهکارهای اصلاحی از جمله اقدامات مؤثر در این زمینه‌اند. در نهایت، جمع‌آوری تجربیات و دیدگاه‌های متنوع می‌تواند به‌عنوان منبعی ارزشمند برای سیاست‌گذاری‌های آینده مورد استفاده قرار گیرد. این رویکردها به درک عمیق‌تری از حقوق زنان و تأثیرات متقابل قوانین اسلامی و فرهنگ‌های قومی بر جایگاه آنان کمک خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

بررسی حقوق زنان از منظر نظام‌های حقوقی اسلام و غرب نشان می‌دهد که هر دو دیدگاه، بر مبنای کرامت انسانی، حقوقی را برای زنان تعریف کرده‌اند. حقوق بشر جهان‌شمول غربی در عصر حاضر توجه ویژه‌ای به این اصل دارد؛ هرچند پیش از شکل‌گیری نظام حقوق بشر، جامعه غربی این مبنا را عمدتاً از طریق اندیشه‌هایی چون فمینیسم دنبال می‌کرد.

در مقایسه‌ای تطبیقی میان این دو نظام، آشکار می‌شود که دین مبین اسلام از چهارده قرن پیش، اصل کرامت انسانی را مبنای اعطای حقوق به زنان قرار داده و در متون قرآنی و روایی بر حفظ شأن و جایگاه آنان تأکید کرده است. تفاوت بنیادین این دو دیدگاه در خاستگاه حقوق زنان نهفته است: در اسلام، این حقوق ماهیتی ذاتی، الهی و غیرقابل سلب دارند؛ در حالی که در پارادایم غربی، حقوق زنان محصول فرآیندهای تاریخی، مبارزات اجتماعی و قانون‌گذاری بشری‌اند.

نتیجه‌گیری تطبیقی از دیدگاه‌های اسلام و غرب درباره زنان

1. **حقوق برابر:** هر دو نظام بر اصل برابری حقوق زن و مرد تأکید دارند. اسلام، حقوق زنان را بخشی از حقوق انسانی می‌داند و بر حفظ کرامت آنان تأکید می‌ورزد. در مقابل، نابرابری‌های اجتماعی در هر دو فرهنگ می‌تواند پیامدهای روانی و اجتماعی برای زنان به‌همراه داشته باشد.
2. **مشارکت اجتماعی:** در غرب، آزادی و مشارکت زنان در تمامی عرصه‌های اجتماعی مورد توجه است. اسلام نیز مشارکت زنان را تأیید می‌کند، اما با در نظر گرفتن ملاحظات فرهنگی و دینی. آداب و رسوم نادرست می‌توانند انتخاب‌های زنان را محدود سازند.
3. **آگاهی و آموزش:** هر دو دیدگاه بر اهمیت آموزش زنان تأکید دارند. فقدان آگاهی مانعی جدی در مسیر دستیابی به حقوق انسانی و اجتماعی زنان است. همچنین، نبود زیرساخت‌های حمایتی برای مادران شاغل می‌تواند مشکلاتی در تحقق این حقوق ایجاد کند.
4. **چالش‌های فرهنگی:** در برخی جوامع اسلامی، زنان هنوز از حقوق اولیه خود محروم‌اند و در جوامع غربی نیز تبعیض‌های ساختاری و فرهنگی همچنان وجود دارد. بحران‌های فرهنگی و برداشت‌های نادرست مانع از تحقق کامل حقوق انسانی زنان در هر دو نظام شده‌اند.
5. **ضرورت اصلاحات فرهنگی و اجتماعی:** بهبود وضعیت زنان نیازمند تغییر نگرش‌ها و اصلاحات فرهنگی است. رسانه‌ها و فرهنگ عامه گاه تصاویری

غیرواقعی از زنـان ارائـه می‌دهند که می‌تواند به کاهش اعتماد به نفس آنان منجر شود. شناسایی و احترام به حقوق زنان باید در اولویت قرار گیرد.

6. **حقوق زنان در صدر اسلام:** در صـدر اسلام، حقوق زنان به‌روشنی تعریف شده و بر آموزش، مشـارکت اجتماعی و کرامت انسـانی آنان تأکید شـده اسـت. با این حال، نیاز به بازنگری و تطبیق این آموزه‌ها با شرایط معاصر احساس می‌شود تا از تأثیرات منفی آداب و رسوم غیرمبتنی بر منابع اسلامی جلوگیری شود.

در نهایت، هر دو نظام حقوقی اســلام و غرب در پی ارتقاء جایگاه زنان هســتند، اما تحقق این هدف نیازمند رویکردهایی متناســب با فرهنگ، تاریخ و شــرایط اجتماعی هر جامعه اسـت. حقوق زنان باید از منظر حقوق انسـانی نگریسـته شـود تا شـرافت و کرامت آنان به‌درستی شناخته و حفظ گردد.

منابع و مآخذ

1. قرآن کریم.
2. نـهج البلاغه.
3. ابن‌ادریس حلی، ابی‌جعفر محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق). السرائر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
4. ابن‌حمزه طوسی، محمد بن علی (بی‌تا). الوسیله. قم: مکتبة العامة لآیةالله‌المرعشی.
5. ابن‌حزم، علی بن احمد (۱۴۱۸ق). الفصل فی الملل و الأهواء و النحل. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
6. ابن‌سعد، محمد بن سعد (۱۴۱۰ق). الطبقات الکبری. بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
7. ابن‌سعدون، نای (۱۳۷۹). حقوق زن از آغاز تا امروز. تهران: نشر کویر.
8. ابن‌کثیر، اسماعیل (۱۳۹۳ق). سیرة النبویه. تحقیق مصطفی عبد الواحد. بیروت: دارالمعرفه.
9. ابوالصلاح حلبی، تقی‌الدین (۱۳۶۲). الکافی فی الفقه. اصفهان: مکتبة الإمام امیرالمؤمنین(ع).
10. بوازار، مارسل (۱۳۶۲). انسان‌دوستی در اسلام. ترجمه محمدحسن مهدوی اردبیلی و غلامحسین یوسفی. تهران: توس.
11. بروجردی، مرتضی (۱۳۸۴). مستند العروة الوثقی و مبانی تکملة المنهاج. تهران: مؤسسه آثار امام خمینی(ره).
12. بخاری، محمد بن اسماعیل (بی‌تا). صحیح. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
13. ترمانینی، عبدالسلام (۱۹۸۴). الزواج عند العرب فی الجاهلیة والاسلام. کویت: عالم المعرفه.
14. توحیدی، نیره (۱۳۷۶). «فمینیسم اسلامی: چالشی دموکراتیک یا چرخشی تئوکراتیک». کنکاش، ش۳، پاییز.
15. توفیق علی وهبه (۱۴۰۳ق). دور المرأة فی المجتمع الإسلامی. ریاض: دارالله‌واء.

16. جبعی عاملی، زین‌الدین (شهید ثانی) (بی‌تا). مسالک الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام. قم: مکتبة بصیرتی.
17. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). زن در آینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء.
18. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). حق و تکلیف در اسلام. قم: اسراء.
19. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۵). نسیم اندیشه (پرسش‌ها و پاسخ‌ها). دفتر یکم. قم: مرکز نشر اسراء.
20. حر عاملی، محمد بن حسن (بی‌تا). وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
21. الحسنت، محمد عثمان (۱۴۰۴ق). من اعجاز القرآن. قاهره: مکتبة القرآن.
22. حقوقی، عسکر (۱۳۷۶). حقوق بشر در اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
23. حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (بی‌تا). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. تهران: انتشارات علمی.
24. حنبل، احمد (۱۳۸۹ق). المسند. بیروت: المکتبة الاسلامیة للطباعة و النشر.
25. خندان، علی‌اصغر (۱۳۹۸). نقد مبانی فمینیسم. تهران: بنیاد علمی و فرهنگی علامه مطهری.
26. دورانت، ویل (۱۳۵۱). تاریخ تمدن. تهران: امیرکبیر.
27. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۱). لغت‌نامه. تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.
28. زمخشری، محمود بن عمر (۱۹۸۸م). الکشاف عن حقائق التنزیل و عیون الأقاویل. تحقیق عبدالسلام محمد قارون. قاهره: مکتبه الخانجی.
29. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۷). مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای. تهران: سروش.
30. ژاک روسو، ژان (۱۳۹۶). امیل. ترجمه غلامحسین زیرک‌زاده. تهران: انتشارات ناهید.
31. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز (بی‌تا). المراسم. قم: انتشارات الحرمین.
32. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۴۱۲ق). فی ظلال القرآن. بیروت-قاهره: دارالشروق.
33. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۱۴ق). الجامع الأزهر من حدیث النبی الأنور. بیروت: دارالفکر.
34. شریعتی، علی و دیگران (۱۳۸۵). هویت و حقوق زن در اسلام. چاپ سوم. تهران: میلاد.
35. شریعتی، علی (۱۳۵۷). زن، آزادی و انقلاب. تهران: انتشارات فردوس.
36. شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۳۷۶). حدود مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام. ترجمه محسن عابدی. تهران: بعثت.
37. شمس‌الدین، محمدمهدی (۱۳۷۷). مسائل حرجه فی فقه المرأة: تأملات اسلامیه حول المرأة. بیروت: المنار.
38. طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامی.
39. طباطبایی، محمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: انتشارات اسلامی.
40. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۳۷۳ق). العروة الوثقی. تهران: انتشارات اسلامیه.
41. طباطبایی یزدی، سید علی (۱۴۰۴ق). ریاض المسائل فی بیان الأحکام بالدلائل. قم: مؤسسه آل‌البیت.

42. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر (۱۳۷۵). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: دانشگاه تهران.
43. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۳۸ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: مکتبه العلمیه.
44. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۸). تاریخ الرسل و الملوک. تهران: سروش.
45. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن حسن (۱۳۸۰ق). المبسوط فی فقه الامامیه. چاپ دوم. تهران: مکتبة المرتضویه.
46. طوسی، ابی‌جعفر محمد بن حسن (۱۳۶۲). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. ترجمه و مقدمه محمدباقر سبزواری. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
47. عباسی، علی (۱۴۰۰). «مصاحبه درباره حقوق زنان». قم: خبرگزاری جمهوری اسلامی.
48. فخر رازی، محمد (۱۴۱۵ق). تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دارالفکر.
49. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴). الجامع لأحکام القرآن. تهران: ناصرخسرو.
50. کلباسی اصفهانی، فهیمه (۱۴۰۰ش). «بازاندیشی حکم منع قضاوت زن در فقه اسلامی». دوفصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول مذاهب، دوره ۴، شماره ۲.
51. لین، تونی (۱۳۹۶). تاریخ تفکر مسیحی. مترجم: روبرت آسریان. تهران: فرزان روز.
52. مجلسی، محمدتقی (۱۳۹۳ق). روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه. تحقیق سید حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی. تهران: بنیاد فرهنگ اسلامی.
53. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲). بحار الأنوار. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
54. محمد ابوشقه، عبدالحلیم (۱۹۹۰م). مشارکة المرأة المسلمة فی الحیاة الاجتماعیة. کویت: دارالعلم.
55. محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۸). بررسی فقهی و حقوقی خانواده و نکاح و انحلال آن. تهران: نشر علوم اسلامی.
56. مسلم بن حجاج (۱۴۱۶ق). صحیح. بیروت: دار ابن‌فرم، مؤسسه الریان.
57. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). نظام حقوق زن در اسلام. چاپ بیستم. تهران: انتشارات صدرا.
58. مفید، محمد بن جعفر ابن‌نعمان (بی‌تا). المقنعه. قم: مکتبة الداوری.
59. مقدس اردبیلی، احمد (بی‌تا). مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الأذهان. ایران: چاپ سنگی قدیمی.
60. مکی، شمس‌الدین محمد بن مکی (شهید اول) (۱۴۰۶ق). اللمعة الدمشقیه. بی‌جا: دارالناصر.
61. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۳). زن در تفسیر نمونه. تهیه و تنظیم سعید داوودی. قم: انتشارات امام علی بن ابی‌طالب(ع).
62. منتظری، حسینعلی (۱۴۱۵ق). دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة. قم: نشر تفکر.
63. موسوی خویی، ابوالقاسم (۱۴۱۰ق). التنقیح فی شرح العروة الوثقی – الاجتهاد و التقلید. تقریر میرزا علی تبریزی غروی. قم: دارالهادی، چاپ سوم.
64. مولر آگین، سوزان (۱۳۸۳). زن از دیدگاه فلسفه سیاسی غرب. مترجم: نوری‌زاده. تهران: روشنگران و مطالعات زنان، قصیده‌سرا.
65. مؤمن، محمد (۱۳۷۶). «شایستگی زنان برای قضاوت». قم: مجله فقه.

66. نجفی، محمد حسن (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام.
67. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: موسسه آل‌البیت(ع) لإحیاء التراث.
68. هنده اسلن، زیا (۱۳۹۸). «حقوق بشر». دوفصلنامه حقوق بشر، ش۱، ص۲۲۱–۲۳۸، بهار و تابستان.
69. Ahmad, L. (1992). Women and Gender in Islam. New Haven: Yale University Press.
70. Walby, S. (1990). Theorizing Patriarchy. Oxford: Basil Blackwell.
71. Al-Hibri, A. (1997). Islam, law and custom: redefining Muslim women's rights. *American University Journal of International Law and Policy*, 12(1), 1–44.
72. Al-Hibri, A. (2003). An Islamic perspective on domestic violence in Islam. *Fordham International Law Journal*, 27(1), 195–224.
73. Wadud, A. (2010). The Status of Women in Islam and the West: A Comparative Analysis. *Journal of Gender Studies*.
74. Beck, U. (1992). Risk Society: Towards a New Modernity. Munich: University of Munich.
75. Badran, M. (2009). Feminism in Islam: Secular and Religious Convergences. Oxford: Oneworld Publications.
76. Bennett, J. M. (1990). History Matters: Patriarchy and the Challenge of Feminism. New York: Routledge.
77. Blau, F. D., & Kahn, L. M. (2013). The Gender Pay Gap: Extent, Trends, and Sources. *Journal of Economic Literature*.
78. Blau, F. D., & Kahn, L. M. (2017). The Gender Pay Gap: A Survey of the Evidence and Its Policy Implications.
79. Castelli, E. A. (2001). Women and Religion: A Feminist Sourcebook. New York: New York University Press.
80. Catalyst. (2020). Women in Leadership: Quick Take.
81. Crawford, M. (2006). Women and the Law: A Global Perspective. New York: Routledge.
82. DuBois, E. C. (1998). Suffrage: Women’s Long Battle for the Vote. New York: Simon & Schuster.
83. Friedan, B. (1963). The Feminine Mystique. New York: W.W. Norton & Company.
84. Haddad, Y. C., & Smith, J. I. (2006). Women, Gender, and Religion: A Reader. New York: New York University Press.
85. Harrison, B. (1998). Women and the Law: A Feminist Perspective. New York: New York University Press.
86. Hylen, S. E. (2008). The Gendered Pulpit: Preaching in the Feminine Voice. New York: Continuum.

87. Inglehart, R., & Norris, P. (2003). The True Clash of Civilizations. *Foreign Policy*.
88. Inglehart, R., & Norris, P. (2016). Trump, Brexit, and the Rise of Populism: Economic Have-Nots and Cultural Backlash.
89. Krook, M. L., & Norris, P. (2014). Gender Quotas in Political Parties: A Global Perspective. In *The Oxford Handbook of Gender and Politics*.
90. Ahmed, L. (2011). Islamic Feminism: A Comparative Study of Women's Rights in Islam and the West. New York: Beacon Press.
91. Luhrmann, T. M. (2012). Gender and Religion: The Dark Side of Scripture. New York: Oxford University Press.
92. Mackinlay, E. (2000). Women and the Law: A Comparative Study of the Legal Status of Women in the United States and the United Kingdom. London: Routledge.
93. MacKinnon, C. (1989). Toward a Feminist Theory of the State. Cambridge: Harvard University Press.
94. MacKinnon, C. (1979). Sexual Harassment of Working Women: A Case of Sex Discrimination. New Haven: Yale University Press.
95. Smart, C. (1989). Feminism and the Power of Law. London: Routledge.
96. Tjaden, P., & Thoennes, N. (2000). Extent, Nature, and Consequences of Intimate Partner Violence.
97. Tilly, C. (2004). Social Movements. Boulder: Paradigm Publishers.
98. Tong, R. (2009). Feminist Thought: A More Comprehensive Introduction. Boulder: Westview Press.
99. UN Women. (2015). The World Survey on the Role of Women in Development: Transforming Economies, Realizing Rights. United Nations.
100. Wolf, N. (2002). The Beauty Myth: How Images of Beauty are Used Against Women. New York: HarperReferences.
101. Rape, Abuse & Incest National Network. (2019). *Rape, Abuse & Incest National Network*. Wikipedia. Retrieved from https://en.wikipedia.org/wiki/Rape,*Abuse*%26_Incest_National_Network

References

- *Nahj al-Balagha*. [In Arabic]
- *The Holy Qur'an*. [In Arabic]
- Ibn Idris Hilli, M. b. M. (1410 AH). *Al-Sarair*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Ibn Hamzah Tusi, M. b. A. (n.d.). *Al-Wasila*. Qom: Mar'ashi Public Library. [In Arabic]

- Ibn Hazm, A. b. A. (1418 AH). *Al-Fasl fi al-Milal wa al-Ahwa' wa al-Nihal*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Ibn Sa'd, M. b. S. (1410 AH). *Al-Tabaqat al-Kubra*. Beirut: Dar al-Kutub al-'Ilmiyya. [In Arabic]
- Ibn Sa'dun, N. (2000). *Women's Rights from the Beginning to Today*. Tehran: Kavir. [In Persian]
- Ibn Kathir, I. (1393 AH). *Sirat al-Nabawiyya*. Ed. Mustafa Abd al-Wahid. Beirut: Dar al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Abu al-Salah Halabi, T. (1983). *Al-Kafi fi al-Fiqh*. Isfahan: Imam Amir al-Mu'minin Library. [In Arabic]
- Boazar, M. (1983). *Humanism in Islam*. Trans. M. H. Mahdavi Ardabili & G. Yousofi. Tehran: Toos. [In Persian]
- Buroojerdi, M. (2005). *Mustanad al-'Urwa al-Wuthqa wa Mabani Takmilat al-Minhaj*. Tehran: Imam Khomeini Institute. [In Persian]
- Bukhari, M. b. I. (n.d.). *Sahih*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Termanini, A. (1984). *Marriage among Arabs in Jahiliyya and Islam*. Kuwait: Alam al-Ma'rifa. [In Arabic]
- Tohidi, N. (1997). "Islamic Feminism: Democratic Challenge or Theocratic Turn." *Kankash*, 3, Fall. [In Persian]
- Wahba, T. A. (1403 AH). *The Role of Women in Islamic Society*. Riyadh: Dar al-Liwa'. [In Arabic]
- Juba'i 'Amili, Z. (n.d.). *Masalik al-Afham ila Tanqih Shara'i' al-Islam*. Qom: Basirati Library. [In Arabic]
- Javadi Amoli, A. (2006). *Women in the Mirror of Glory and Beauty*. Qom: Esra Publishing Center. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2006). *Rights and Duties in Islam*. Qom: Esra. [In Persian]
- Javadi Amoli, A. (2006). *Nasim-e Andisheh (Questions and Answers)*. Vol. 1. Qom: Esra. [In Persian]
- Hurr 'Amili, M. b. H. (n.d.). *Wasa'il al-Shi'a*. Beirut: Dar Ihya' al-Turath al-'Arabi. [In Arabic]
- Hassanat, M. U. (1404 AH). *Min I'jaz al-Qur'an*. Cairo: Maktabat al-Qur'an. [In Arabic]
- Hoquqi, A. (1997). *Human Rights in Islam*. Tehran: Islamic Azad University Press. [In Persian]
- Hilli, J. (1410 AH). *Irshad al-Adhhan ila Ahkam al-Iman*. Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
- Hilli, J. (n.d.). *Shara'i' al-Islam fi Masa'il al-Halal wa al-Haram*. Tehran: 'Ilmi Publications. [In Arabic]

- Hanbal, A. (1389 AH). *Al-Musnad*. Beirut: Islamic Library for Printing and Publishing. [In Arabic]
- Khandan, A. (2019). *Critique of Feminist Foundations*. Tehran: Allameh Motahhari Foundation. [In Persian]
- Durant, W. (1972). *The Story of Civilization*. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Dehkhoda, A. (2002). *Dictionary*. Tehran: Dehkhoda Institute. [In Persian]
- Zamakhshari, M. (1988). *Al-Kashshaf 'an Haqaiq al-Tanzil*. Cairo: Khanji Library. [In Arabic]
- Zibayi-Nejad, M. (2018). *Comparative Christianity Studies*. Tehran: Soroush. [In Persian]
- Rousseau, J. (2017). *Emile*. Trans. G. Zirakzadeh. Tehran: Nahid. [In Persian]
- Salar Dailami, H. (n.d.). *Al-Marasim*. Qom: Al-Haramayn. [In Arabic]
- Qutb, S. (1412 AH). *Fi Zilal al-Qur'an*. Beirut-Cairo: Dar al-Shuruq. [In Arabic]
- Suyuti, A. (1414 AH). *Al-Jami' al-Azhar min Hadith al-Nabi al-Anwar*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Shariati, A. (1979). *Women, Freedom and Revolution*. Tehran: Ferdows. [In Persian]
- Shariati, A. (2006). *Identity and Women's Rights in Islam*. Tehran: Milad. [In Persian]
- Shams al-Din, M. (1997). *Limits of Women's Political Participation in Early Islam*. Trans. M. Abedi. Tehran: Ba'that. [In Persian]
- Shams al-Din, M. (1998). *Masail Harija fi Fiqh al-Mar'a*. Beirut: Al-Manar. [In Arabic]
- Tabataba'i, M. H. (n.d.). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Islamic Books. [In Arabic]
- Tabataba'i, M. H. (n.d.). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Trans. S. M. Mousavi Hamadani. Qom: Islamic Publishing. [In Persian]
- Tabataba'i Yazdi, M. K. (1373 AH). *Al-'Urwa al-Wuthqa*. Tehran: Islamiyya. [In Arabic]
- Tabataba'i Yazdi, S. A. (1404 AH). *Riyad al-Masa'il fi Bayan al-Ahkam*. Qom: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Tabataba'i Mo'tameni, M. (1996). *Public Freedoms and Human Rights*. Tehran: University of Tehran. [In Persian]
- Tabarsi, F. (1959). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: 'Ilmiyya. [In Arabic]

- Tabari, M. J. (1999). *Tarikh al-Rusul wa al-Muluk*. Tehran: Soroush. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1380 AH). *Al-Mabsut fi Fiqh al-Imamiyya*. Tehran: Murtadawiyya Library. [In Arabic]
- Tusi, M. b. H. (1983). *Al-Nihaya fi Mujarrad al-Fiqh wa al-Fatawa*. Trans. M. Sabzevari. Tehran: University of Tehran Press. [In Arabic]
- Abbasi, A. (2021). "Interview on Women's Rights." Qom: IRNA. [In Persian]
- Fakhr Razi, M. (1415 AH). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Qurtubi, M. b. A. (1985). *Al-Jami' li Ahkam al-Qur'an*. Tehran: Nasr Khusraw. [In Arabic]
- Kalbasi Esfahani, F. (2021). "Reconsidering the Prohibition of Women Judges in Islamic Law." *Comparative Studies in Fiqh and Usul*, 4(2). [In Persian]
- Lane, T. (2017). *History of Christian Thought*. Trans. R. Asrian. Tehran: Farzan Rouz. [In Persian]
- Majlisi, M. T. (1393 AH). *Rawdat al-Muttaqin fi Sharh Man la Yahduruhu al-Faqih*. Tehran: Islamic Culture Foundation. [In Arabic]
- Majlisi, M. B. (1983). *Bihar al-Anwar*. 4th ed. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic]
- Abu Shaqqa, A. H. (1990). *Participation of Muslim Women in Social Life*. Kuwait: Dar al-'Ilm. [In Arabic]
- Mohaqqiq Damad, M. (1989). *Jurisprudential and Legal Study of Family, Marriage and Dissolution*. Tehran: Islamic Sciences Publishing. [In Persian]
- Muslim b. Hajjaj (1416 AH). *Sahih*. Beirut: Dar Ibn Farm, Al-Rayan Institute. [In Arabic]
- Motahhari, M. (1995). *The System of Women's Rights in Islam*. 20th ed. Tehran: Sadra Publications. [In Persian]
- Mufid, M. b. J. (n.d.). *Al-Muqni'a*. Qom: Dawari Library. [In Arabic]
- Muqaddas Ardabili, A. (n.d.). *Majma' al-Fa'ida wa al-Burhan fi Sharh Irshad al-Adhhan*. Iran: Lithographic edition. [In Arabic]
- Shahid al-Awwal (Shams al-Din Muhammad b. Maki) (1406 AH). *Al-Lum'a al-Dimashqiyya*. n.p.: Dar al-Nasir. [In Arabic]

- Makarem Shirazi, N. (2014). *Women in Tafsir al-Namuna*. Compiled by S. Davoudi. Qom: Imam Ali b. Abi Talib Publications. [In Persian]
- Montazeri, H. (1415 AH). *Studies in Wilayat al-Faqih and Islamic State Jurisprudence*. Qom: Tafakkur Publishing. [In Arabic]
- Musawi Khui, A. (1410 AH). *Al-Tanqih fi Sharh al-'Urwa al-Wuthqa – Ijtihad and Taqlid*. Reported by Mirza Ali Tabrizi Gharavi. 3rd ed. Qom: Dar al-Hadi. [In Arabic]
- Muller Agin, S. (2004). *Women from the Perspective of Western Political Philosophy*. Trans. Nouri Zadeh. Tehran: Roshangaran & Women's Studies. [In Persian]
- Mo'men, M. (1997). "Women's Eligibility for Judgeship." *Fiqh Journal*. Qom. [In Persian]
- Najafi, M. H. (n.d.). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Shara'i' al-Islam*. [In Arabic]
- Nuri, H. b. M. T. (1408 AH). *Mustadrak al-Wasa'il wa Mustanbat al-Masa'il*. Beirut: Al al-Bayt Institute. [In Arabic]
- Hend Aslan, Z. (2019). "Human Rights." *Human Rights Biannual*, 1, 221–238, Spring-Summer. [In Persian]